

# رشد جمعیت و مشکلات ناشی از آن

محقق: علی مشتری دانشجوی دوره ی کارشناسی رشته ی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

مقدمه:

سهم کشورهای در حال توسعه از مجموع رشد جهانی ، رقمی قابل ملاحظه را تشکیل می دهد . در حال حاضر نیمی از رشد جمعیت جهان مربوط به فقط ۶ کشور هند ، چین ، پاکستان ، نیجریه ، بنگلادش و اندونزی است . بر اساس آخرین آمارهای موجود ۴/۹ میلیارد نفر ( ۸۰/۳ درصد ) از مردم جهان در مناطق در حال توسعه زندگی می کنند و حال آنکه سهم کشورهای توسعه یافته از کل جمعیت جهان ۱/۲ میلیارد نفر است .

بطور کلی ، در حالیکه روند صعودی رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه صورت گیرد ، در مناطق توسعه یافته تر این روند بطئی شده و حتی در برخی ممالک رشد منفی وجود دارد . علیرغم کاهش نرخ باروری در جهان و این واقعیت که در طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ نرخ کلی باروری کمتر از میزان جانشینی بوده است ، جمعیت جهان در سالهای آینده همچنان روند صعودی را خواهد داشت و ارقام مطلق جمعیت ، بویژه در مناطق در حال توسعه رشد چشمگیری خواهد داشت که این امر ناشی از بزرگی جمعیت پایه و رشد فزاینده تعداد جوانان می باشد .

سرشماری در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ جمعیت کشور را به ترتیب حدود ۲۶ و ۳۳/۵ میلیون نفر نشان میدهد . جمعیت در سال ۱۳۶۵ به حدود ۵۰ میلیون و در سال ۷۵ به بعد به حدود ۶۷ میلیون نفر رسیده است و پیش بینی می شود که در صورت ادامه روند رشد فعلی جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برسد .

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ ، ۴۵/۵ درصد از جمعیت ایران زیر ۱۵ سال دارند و از این رو کشور ما در زمره کشورهای محسوب میشود که دارای جمعیت جوان است . بدیهی است تامین غذا ، کار ، مسکن ، بهداشت ، آموزش و غیره برای جمعیتی که پیوسته افزوده میشود یکی از مشکلات اساسی در راه توسعه اقتصادی و تأمین اجتماعی است .

چشم انداز جمعیتی

در انتهای هزاره دوم ، جمعیت دنیا به ۶ بلیون نفر رسید و این بیشتر از ۲ برابر جمعیت دنیا در نیم قرن اخیر می باشد . در سال ۱۹۵۰ جمعیت جهان ۲/۵ بلیون نفر بوده و در ۵۰ سال اخیر شاهد بیشترین میزان رشد جمعیتی که تاکنون اتفاق افتاده است ، بوده ایم .

این رشد زیاد در نتیجه افزایش امید زندگی ، کاهش مرگ و میر کودکان و برابری تعداد آنها با تعداد والدین ایجاد شده است . . ولی هنوز کاهش باروری کلی ، کاملاً اتفاق نیافتاده است

براساس پیش بینی های جاری ، افزایش جمعیت کلی جهان تا ۵۰ سال آینده ادامه خواهد داشت و افزایش به میزان نصف جمعیت فعلی موجب می شود که تا سال ۲۰۵۰ جمعیت جهان به بیش از ۹ بلیون نفر برسد .

مسئله شدن جمعیت یک پدیده جهانی است که بیانگر روند تغییرات جدید در ساختار سنی جمعیت فعلی می باشد و بنظر می رسد که این روند در قرن بیست و یکم بسیار چشمگیر باشد که همانطور که اشاره شد در نتیجه تغییر باروری کلی و کاهش مرگ و میر در دنیا است . روند سریع شدن جمعیت یک تغییر قابل توجه جمعیتی است که در تعدادی از کشورهای صنعتی که امید زندگی بالا و روبه افزایش و میزان باروری پایین می باشد ، به چشم می خورد .

مشابه این امر در کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی امریکای لاتین، که کاهش میزان باروری زودتر آغاز شده است. نیز دیده می شود.

، متوسط سن در حال HIV در صحرای جنوبی افریقا- منطقه ای با جوانترین جمعیت- علیرغم مرگهای ناشی از ایدز و افزایش است و در کشورهای در حال توسعه متوسط سن به ۲۴ سال (۵ سال افزایش نسبت به سال ۱۹۷۵) و در کشورهای توسعه یافته به ۳۷ سال (۸ سال افزایش نسبت به سال ۱۹۶۰) رسیده است. به طور کلی جمعیت ۸۰ ساله و بالاتر برای اولین بار از جمعیت گروه سنی زیر ۱۵ سال پیشی گرفته است.

به طور کلی، امید زندگی در زمان تولد افزایش یافته است، یعنی فاصله بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به طور قابل توجهی کم شده و از ۲۲ سال در سال ۱۹۶۰ به کمتر از ۱۲ سال در سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه فاصله امید زندگی در زنان از ۲۴ سال به حدود ۱۴ سال و برای مردان از ۲۰ سال به حدود ۹ سال کاهش پیدا کرده است.

نرخ رشد جمعیت دنیا به طور متوسط به میزان ۱/۳ در سال کاهش یافته (۱/۶ درصد در کشورهای در حال توسعه و ۳٪ درصد در مناطق توسعه یافته) و میزان باروری، یعنی تعداد فرزندان از سال ۱۹۶۰ از ۵ نفر به ۳ نفر (از ۶ به ۳) در کشورهای در حال توسعه و از ۲/۷ به ۱/۶ در مناطق توسعه یافته) کاهش یافته است.

در سال ۲۰۰۰ تعداد کشورهایی که باروری در سطح جانشینی دارند (یعنی ۲/۱) فرزند به ازای هر زن از ۹ به ۶۴ کشور رسیده است. این کشورها ۲/۷ میلیارد نفر یعنی ۴۴ درصد جمعیت جهان را در خود جای می دهند. بعضی از کشورها نیز در اروپا با رشد منفی جمعیت مواجه هستند. ادامه این وضعیت طی چند دهه آینده دنیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

کاهش جمعیت در بعضی از کشورها و مسن شدن جمعیت نیاز به ایجاد و تطابق و کاربرد روشهای مداخله ای دارد، زیرا ایجاد و تغییر در نسبت تعداد افراد پیر به جوان می تواند نیروی کار، مقرری ها، سیستمهای بیمه بهداشتی و روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد.

در حال حاضر بیش از نیمی از زنان مسن ۶۰ سال و به بالا در مناطق در حال توسعه زندگی می کنند. این رقم در کشورهای در حال توسعه ۱۹۸ میلیون و در کشورهای توسعه یافته ۱۳۵ میلیون نفر می باشد. بدلیل افزایش سن، احتمال بروز ناتوانی افزایش می یابد. تعجب آور نیست که بررسی ها نشان می دهند که تعداد زنان ناتوان در جوامع پیرتر روندی رو به افزایش دارند. فقر در سنین پیری غالباً منعکس کننده وضعیت بد اقتصادی در دوره جوانی و عامل تعیین کننده وضعیت سلامتی تمام دوران زندگی فردی می باشد.

کشورهایی که مطالعاتی در زمینه رابطه فقر با سن و جنس افراد دارند (اکثر کشورهای توسعه یافته) نشان می دهند که زنان پیر نسبت به مردان پیر فقیر تر می باشند. فقر همچنین به تغذیه ناکافی یا عدم دسترسی به غذای کافی مربوط بوده و وضعیت سلامتی زنان پیر غالباً نمایانگر فقر رژیم غذایی آنها می باشد.

آموزش و سواد در بین گروههای زنان پیر در کشورهای در حال توسعه پایین است.

جنس را بعنوان یکی از عوامل اصلی تعیین کننده سلامت می (AHE) برنامه بهداشت سالمندان سازمان بهداشت جهانی شناسد. این سازمان سالم پیر شدن را با تکیه بر اینکه افراد پیر، سرمایه ای برای خانواده و جامعه هستند و اتخاذ روشهایی که افراد پیر را قادر سازد تا بتوانند در عمر طولانی خود سالم و فعال به زندگی ادامه دهند توسعه می دهد.

## جمعیت و عوامل توسعه

در گذشته ، ارتباط جمعیت با غذا و در برخی موارد با فضا و محیط زیست مورد توجه بوده و نگرانی مخالفان افزایش جمعیت نیز از نظر کمبود یا کاهش مواد غذایی برای جمعیت بوده است ، حال آنکه در زمان حاضر بدلیل توسعه نیازهای انسان ، علاوه بر موارد فوق ، موضوع توسعه وامکانات لازم برای تحقق آن و ارتقاء سطح زندگی مردم مد نظر قرار می گیرد .

## جمعیت و آموزش

یکی از پیامدهای رشد روز افزون جمعیت در کشور ما افزایش تعداد افراد در سن تحصیلی و در نتیجه افزایش تقاضا . برای امکانات آموزشی است . در کشور ما حدود ۳۰ درصد از جمعیت در سن تحصیل قرار دارند

رشد سریع جمعیت باعث شده است که در فاصله سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰ تعداد دانش آموزان از ۷/۵ به ۱۴/۴ و اکنون به حدود ۱۹ میلیون نفر برسد . با رشد فعلی جمعیت در هر ۱۵ دقیقه یک کلاس درس و در هر ۲۴ ساعت ۹۶ کلاس درس یا ۱۶ مدرسه باید ایجاد شود . از این رو سالانه درصد بسیاری از هزینه های دولت باید صرف ایجاد امکانات ، تأمین نیروی انسانی برای آموزش و فضای آموزشی گردد . رشد رو ساختی در جمعیت این است که همه جمعیت درس تحصیلی نتوانند از آموزش ( از ابتدایی تا دانشگاه ) بطور کامل برخوردار شوند

فراهم آوردن امکانات آموزشی لازم هماهنگ با رشد جمعیت دانش آموزی مستلزم آن است که جامعه سهم عمده ای از منابع ملی را به بخش آموزش و پرورش اختصاص دهد

اختصاص اعتبارات کافی به بخش آموزش با توجه به محدود بودن اعتبارات آنها تنها از طریق حذف یا کاهش سهم بخش های دیگر جامعه امکان پذیر خواهد بود که خود رشد و توسعه این بخش ها را دچار وقفه میسازد ، در صورتی که میزان تخصیص اعتبار در حد نیاز نباشد ، تعادل در میزان دسترسی به آموزش در بین اقشار مختلف جامعه بخصوص بین روستائیان و شهرنشینان و بین طبقه مرفه و محرومین جامعه بهم میخورد و تأمین عدالت آموزشی و رفاه اجتماعی با مشکل اساسی روبرو می گردد

## جمعیت و تغذیه

پیش بینی می شود که جمعیت کشور در کمتر از ۲۰ سال آینده به ۱۰۰ میلیون نفر برسد که از این تعداد تنها بیست . میلیون نفر در مناطق روستائی و هشتاد میلیون نفر در مناطق شهری زندگی خواهند کرد

بی گمان تغذیه چنین جمعیتی که عمدتاً مصرف کننده اند ، بار عظیمی بر دوش جامعه خواهدبود

برای هر نفر که به جمعیت اضافه می شود ، باید چهار هزار متر مربع زمین زیر کشت برود و این در حالی است که هر ساله هفتاد هزار کیلومتر از زمینهای کشاورزی جهان از بین می رود . ما در کشور خود تا بیست سال دیگر با سطح مصرف فعلی به حدود دو برابر رقم کنونی نیاز به مواد غذایی خواهیم داشت ، چون با توسعه اقتصادی انتظار می رود که مردم در کیفیت غذا تغییری را بوجود آورند . مثلاً میزان پروتئین حیوانی مورد نیاز در سال ۱۳۹۰ سه برابر رقم کنونی خواهد بود

به علت رشد جمعیت و تقاضای رو به گسترش غذا و در نتیجه کشت و شخم بیش از حد زمینهای کشاورزی و تخریب مراتع ، سالی ۲۵ میلیارد تن خاک حاصلخیز زراعتی نابود می شود ، خاکی که طبیعت برای تشکیل هر سانتیمتر آن قرن ها وقت صرف کرده است . بعلاوه ، هر سال ۶ میلیون هکتار از زمینهای مرغوب کشاورزی جهان به بیابان لم یزرع تبدیل میشود

اکنون سرعت رشد جمعیت ( ۱۰ درصد در سال ) و در نتیجه سرعت رشد تقاضا از سرعت افزایش محصول غله جهان ( ۱ درصد در سال ) پیشی گرفته و به همین دلیل تولید سرانه غلات ( برای هر نفر ) از ۱۹۸۴ تا کنون از ۳۴۶ به ۳۰۳ کیلوگرم در سال سقوط کرده است . افزایش قیمت برنج در بازار جهانی سالهای اخیر نیز به همین دلیل ، یعنی پیشی گرفتن تقاضا نسبت به میزان تولید آن ، می باشد

رشد جمعیت و تقاضای فزاینده آن برای پروتئین دریایی از میزان تولید شیلات اقیانوس ها فراتر رفته و در نتیجه سرانه مصرف ماهی اکنون به نسبت سال ۱۹۸۹ حدود ۸ درصد کاهش یافته است . به همین دلیل در سالهای اخیر قیمت غذاهای دریایی در بازار جهانی شدیداً افزایش یافته است . رشد جمعیت از تولید گوشت گاو و گوسفند پیشی گرفته است و اکنون تولید سرانه گوشت گاو و گوسفند نسبت به سال ۱۹۷۲ از ۱۲/۷ به ۱۱ کیلوگرم برای هر نفر در سال سقوط کرده اس

وضعیت تغذیه مردم کشور ما اگر چه در مقایسه با برخی از کشورهای آسیائی و بسیاری از کشورهای افریقایی بهتر است ، اما آمار نشان می دهد که حدود یک ششم مردم کشور ما دسترسی به غذای کافی ندارند و رقم سوء تغذیه در بین کودکان ما از این هم بالاتر است . بدیهی است که برخی افراد حتی در مناطقی که دچار کمبود مواد غذائی است خوب غذا می خورند ، اما توزیع ناموزون مواد غذائی باعث میشود که بخش بزرگی از مردم حتی کمتر از مقداری که حد متوسط پائین تلقی میشود ، غذا دریافت کنند

حدوداً ۷۸۰ میلیون نفر در کشورهای در حال رشد از سوء تغذیه رنج می برند . در کشور ما ۱۲ میلیون هکتار زمین کشاورزی داریم که کفاف ۵۰ درصد جمعیت ایران را می دهد و برای ۳۰ میلیون نفر دیگر باید مواد غذائی را از خارج وارد کرد .

اصولاً خانواده های پرجمعیت مشکلات تغذیه ای و بهداشتی بیشتری دارند . اولاً یک نفر نان آور باید برای چندین نفر غذا و سایر مایحتاج را تهیه کند و در نتیجه قدرت خرید کمتر خواهد داشت . مثلاً ؛ در حال حاضر در کشور ما بطور متوسط هر نفر باید هزینه زندگی ۴/۲ نفر را تأمین کند ، ثانیاً در خانوارهای پرجمعیت امکان رسیدگی به وضعیت تغذیه و بهداشت کمتر است ، چون مادر باید از چند کودک بطور همزمان مراقبت کند . ثالثاً ؛ در خانوارهای پرجمعیت خطر سوء تغذیه انرژی و پروتئین بیشتر است . سوء تغذیه ای که ناشی از کمبودهای کمی و کیفی دستور غذایی است ، گذشته از اینکه به خودی خود حائز اهمیت است ، موجب میشود که مقاومت افراد در برابر بیماریها کاهش یابد و در نتیجه ابتلا به یک بیماری نه چندان حاد سبب مرگ و میر شود

از بین بردن کلیه عوامل نامساعد که موجب سوء تغذیه می شود ، هماهنگی بین بخشهای مختلف جامعه اعم از فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و بهداشتی را می طلبد

#### جمعیت و مسکن

مسئله مسکن امروزه از مسائل پیچیده کشورها منجمله کشور ما می باشد . بالا رفتن هزینه تأمین مسکن از یکطرف و ازدیاد جمعیت از طرف دیگر مشکل تهیه مسکن را پیچیده تر می سازد

با توجه به جمعیت فعلی کشور تا ۲۵ سال آینده ۴۲ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده خواهد شد . حال اگر بعد خانوار یعنی متوسط افرادی که در یک خانواده زندگی می کنند حدود ۵ نفر فرض شود ، رقمی معادل ۸/۴ میلیون خانوار به خانوارهای فعلی اضافه خواهد شد و این بدان معناست که برای سکونت یک خانوار پنج نفری در یک واحد مسکونی در ظرف ۲۵ سال آینده نیاز به ایجاد سالانه نیم میلیون واحد مسکونی ، یعنی هر ساعت ۵۰ خانه جدید می باشد . خاصه اینکه با توجه به افزایش نرخ رشد جمعیت طی دهه اخیر ، واحدهای مسکونی ساخته شده در کشور به هیچ وجه پاسخگوی این افزایش نبوده و مردم نیز بعلت بار هزینه های روزمره قادر به خرید این واحدهای مسکونی نمی باشند

## جمعیت و اشتغال

امروزه اشتغال یکی از مشکلات بزرگ اجتماعی کشور ماست و افزایش بی رویه جمعیت به این مشکل اجتماعی دامن می زند. در حال حاضر سالانه تعداد بیشماری از جویندگان کار وارد بازار کار میشوند که با توجه به روند رشد جمعیت فعلی، در آینده نه چندان دور شاهد انبوه عظیمی از جویندگان کار خواهیم بود و تعداد افرادی که نمی توانند هزینه های لازم زندگی خود را تأمین کنند بدلیل رشد سریع جمعیت و ساختار جوان جمعیتی، روز به روز افزایش می یابد و درآمد حاصل از فعالیت افراد شاغل باید هر روزه هزینه زندگی افراد بیشتری را تأمین نماید و در چنین وضعیتی مسئولیت شاغلین بیشتر و کارشان مشکلتر شده و به همان اندازه سرمایه گذاری در جامعه سخت تر میشود.

در سال ۱۳۷۰ از جمعیت ۵۵/۸ میلیون نفری ایران ۲۳ درصد یعنی ۱۳ میلیون نفر شاغل بوده اند و در صورت ثابت ماندن نسبت شاغلین در ۱۴ سال آینده با پیش بینی جمعیت ۱۰۰ میلیون نفری، حجم نیروی کار به ۲۳ میلیون نفر می رسد؛ یعنی ۲۳ میلیون نفر باید کارکنند تا ۱۰۰ میلیون زندگی کنند و سالانه حدود ۷۰۰ هزار شغل جدید در فعالیتهای اقتصادی کشور ایجاد گردد که این کاری بس عظیم و دشوار خواهد بود.

از طرفی نظام تقسیم کار در جامعه دگرگون شده است. دیگر افراد با مهارتهای اندکی که با شاگردی در کنار دست استادکار یا با تجربه آموختن از بزرگسالان بدست بیابوند، قادر نیستند کارهای فنی و تخصصی جدید را انجام دهند و باید سالهای بسیاری را در مدارس برای یادگیری دانسته های جدید سپری کنند تا قادر شوند کارهای تخصصی جدید را بر عهده گیرند. بنابراین با سرعت گذشته وارد بازار کار نمی شوند و سالهای زیادی بعنوان یک مصرف کننده در خانواده. باقی می ماند.

## جمعیت و محیط زیست

افزایش جمعیت و تمرکز آن در سطح منطقه ای اثرات مستقیم بر کیفیت محیط زیست دارد. رشد جمعیت، فقر و فرسایش محیط زیست در کشورهای رو به رشد دوری باطل را ایجاد کرده است. این دور باطل کیفیت زندگی مردم را بشدت تحت تأثیر قرار داده و تلاشهای کشورهای جهان سوم را برای دستیابی به توسعه پایدار بی نتیجه گذارده است.

آب، خاک، هوا و جانداران چهار منبع طبیعی و مهم و مورد نیاز هستند که تأمین همه نیازهای آدمی به وجود آنها وابسته است. رشد سریع جمعیت به کاهش میزان سرانه قابل کشت و کمبود آب منجر گردید. فرسایش خاک، نابودی جنگل ها و مراتع و افت کیفیت آب از آثار جانبی افزایش شمار انسانهاست. آنهایی که مناطق روستائی را ترک می کنند، در حاشیه مناطق بزرگ شهری، ناحیه های فقیر نشین را تشکیل می دهند و حضور آنها توانائی دولت را برای تأمین اشتغال، تغذیه، بهداشت و آموزش برای ساکنان این قبیل نواحی شدیداً تحت فشار قرار می دهد. بطور خلاصه، فشار جمعیت به فرسایش محیط زیست و فقر می انجامد و شرایط نامساعد زیست محیطی بر بهزیستی انسانها، آثار ناخوشایندی بر جای می گذارد. به این ترتیب، در کشورهای در حال توسعه، محیط زیست نا سالم علت اصلی مرگ، بیماری و پائین بودن کیفیت زندگی انسانهاست. همچنین زنان و کودکان در برابر مخاطرات بهداشتی ناشی از محیط زیست آسیب پذیر ترند و معمولاً از مشکلات زیست محیطی صدمات بیشتری را متحمل میشوند.

به علت رشد جمعیت و قطع بی رویه درختان جنگلی برای تأمین نیازهای مصرفی، سالانه ۱۷ میلیون هکتار از جنگلهای جهان نابود می شود. بعلت نابودی جنگلها و آلودگیهای شیمیایی محیط زیست، روزی ۱۴۰ و سالی ۵۰۰۰۰ گونه مختلف گیاهی و حیوانی برای همیشه از صفحه روزگار محو میشود و برآورد میشود که طی ۵۰ سال آینده یک چهارم کل گونه های حیات نابود خواهند شد.

بر اثر رشد جمعیت و افزایش مصرف سوختهای فسیلی ، سالی ۶ میلیارد تن کربن و یا ۲۲/۴ میلیارد تن گازکربنیک وارد جو زمین می شود و موجب گرم شدن روزافزون زمین ، آب شدن یخچال های قطبی ، بالا آمدن سطح دریاها و اقیانوسها ، بروز خشکسالی ، تغییر فصلها و افزایش موارد طوفانها و گردباهای مخرب می گردد .

دسترسی به آب آشامیدنی سالم سبب جلوگیری از شیوع امراض واگیرداری چون وبا می شود که در ادامه زندگی کودکان اثر مستقیم دارد . کشورهای صنعتی قسمت اعظم منابع آب خود را صرف مصارف صنعتی و تجاری می کنند و در برخی از کشورهای صنعتی تقاضا برای آب در جهت اهداف فوق بیشتر می شود ؛ هر چند جمعیت و سطح کشاورزی روستائی آنها افزایش می یابد ، تعدادی از کشورها ، اعم از توسعه یافته و در حال توسعه ، در حال رسیدن به محدودیت ذخائر پایدار آب خود هستند و این تعداد همچنان در حال افزایش است و برخی از کشورها قبلاً به این محدودیت رسیده اند . . کشور ایران نیز مدتی است با محدودیت این منبع حیاتی مواجه شده است

اثرات آلودگی محیط زیست نه تنها موجب بروز بیماریهای مختلف جسمی و روانی شده و تهدیدی برای نسل های آینده می باشد ، بلکه استفاده گسترده از گازوئیل در مناطق پر جمعیت شهری و سوخت های حاصل از چوب در مناطق روستائی ، مصرف بیش از حد گازهای سمی در صنایع ، دودکش کارخانه و منازل ، آگروز اتومبیل ها و سوزاندن زباله ها از مشکلات عمده مناطق پر جمعیت و شهرهاست و موجب تخریب لایه ازن و افزایش اشعه ماوراء بنفش بر روی زمین شده است که خود آلودگیهای محیط زیست را افزایش داد و اثرات مخربی را برای جمعیت ایجاد می کند

#### جمعیت ، فقر و رشد اقتصادی

فقر بمعنای نداشتن ضروریات مادی زندگی است و حدود یک میلیون نفر از مردم جهان در فقر مطلق بسر می برند و از داشتن اساسی ترین ضروریات محروم می باشند . به گفته کارشناسان ، فقیر کسی است که یک سوم درآمد خالصش ( بدون مالیات ) در یک خانواده ۳ نفر بیشتر ، صرف تهیه غذا گردد . کمتر از ۳ میلیون از مردم دنیا می توانند غذا بخورند و ۳ میلیون نفر دیگر زیر این حد قرار دارند

فقر ، روح بشر را از داشتن دو پیش نیاز ضروری زندگی که بدون آنها زندگی امکانپذیر نیست محروم میسازد و آن دو چیز ، احترام و امید می باشد

فقر با کاهش جذبه زندگی ، خوبی دنیا را به طرف بدی سوق میدهد و رنج و کشندگی آنرا بی ارزش میسازد . احترام وقتی است که به انسانیت انسانها بها داده شود و با امید است که خواسته های آدمی فعال شده و انسان به حرکت وادار میشود

هنگامی که از رشد بی رویه جمعیت در یک کشور صحبت می شود ، منظور نابرابری میان امکانات موجود و میزان جمعیت متقاضی استفاده کننده از آن امکانات می باشد ، به گونه ای که منابع موجود قادر نباشند خوراک ، مسکن ، اشتغال ، تحصیلات و سایر احتیاجات خانواده و جامعه را تأمین کنند . نتایج چنین رخدادی ، کاهش کیفیت زندگی و افزایش . محرومیتهای اقتصادی ، اجتماعی و روانی است

نرخ رشد اقتصادی در میان کشورهای در حال توسعه در سالهای ۱۹۹۰ نسبت به نرخ آن در دهه ۱۹۸۰ فزونی یافت . در ۲۵ سال گذشته در ۵۵ کشور فقیر جهان پیشرفت قابل توجهی در نرخ رشد اقتصادی ایجاد شد . از جمله این پیشرفت ها ، افزایش امید زندگی از ۵۳ سال به ۶۲ سال با پائین آمدن مرگ و میر نوزادان از ۱۱۰ به ۷۳ در هر ۱۰۰۰ تولد و . افزایش دسترسی به آب سالم از ۳۳ درصد به ۶۸ درصد بوده است

ساختار جمعیتی دنیا ، با وجود نسل جوان دارای قابلیت باروری در قاعده پهن آن و افراد مسن در نوک تیز آن ، شبیه به یک مثلث می باشد . تا زمانی که این فرم مثلث تبدیل به یک ساختار مستطیل شکل نگردد ، یعنی توزانی در توزیع افراد

پیر و افراد جوان ایجاد نگردد ، رشد جمعیت متوقف نخواهد شد و انتظاری جز این نمی رود و ۹۰ درصد این رشد نیز در فقیرترین نقاط دنیا می باشند . کارشناسان سبب اصلی رشد بالای جمعیت در جهان سوم را ناشی از عدم توسعه فرهنگی و سیاسی و فقر اقتصادی این کشورها دانسته اند

. با این حال به علت افزایش جمعیت ، تعداد افراد فقیر همچنان در حال افزایش است

حدود ۱/۱ میلیارد نفر که در حدود ۳۰ درصد جمعیت جهان در حال توسعه را تشکیل می دهد ، با یک دلار در روز زندگی را سر می کنند . بزرگترین رشد فقر در آفریقا است

اما با این همه ، هنوز آسیای جنوبی در میان فقرای جهان سهم بزرگتری دارد ( ۶۲ درصد ) . در گذشته ۷۵ درصد مردم فقیر در روستاها زندگی می کردند ، اما این روند با افزایش حلی آبادها در شهر رو به تغییر گذاشته است . ۵۴ درصد افزایش جمعیت جهان در آفریقا و جنوب آسیا صورت می پذیرد . کشورهایی که موفق به تقلیل روند رشد جمعیت خود بوده اند ، توانسته اند جلوی رشد فقر را نیز در کشورهای خود بگیرند و با پائین آوردن روند رشد جمعیت همزمان با سرمایه گذاری در کشاورزی و عرضه مواد غذایی توانسته اند به رشد اقتصادی پایدار دست یابند . این کار باعث شده است که آنها بتوانند در بخش اجتماعی بخصوص در امر آموزش، بهداشت ، درمان و بهبود وضعیت زنان سرمایه گذاری کنند

با توجه به نظر کارشناسان درآمد سرانه ایرانی ها در حال حاضر ۳۰ درصد از سال ۱۳۵۶ کمتر است و این بدلیل کاهش تولید ملی است که مطابق با روند رشد جمعیت افزایش نیافته است

#### جمعیت و بهداشت

ضررهای ناشی از فقدان بهداشت با سن ، جنس ، شغل یا سطح اقتصادی اجتماعی و با مذهب و اخلاق ارتباط دارد . طبق برآورد سازمانهای بین المللی ، هنوز صدها میلیون نفر از مردم جهان از مراقبتهای خدمات بهداشتی محروم می باشند . برای رسیدن به میزان مناسبی از بهداشت در کشور ، به یک حد مطلوب نگهدارنده جهت استانداردهای بهداشتی درمانی احتیاج می باشد . در حالی که به ازای هر ۱۰۰۰ نفر یک پزشک باید وجود داشته باشد ، این نسبت در ایران . بعلت تجمع پزشکان در شهرهای بزرگ از نسبت مطلوبی برخوردار نمی باشد

در حالیکه به ازای هر ۲۵۰ نفر یک تخت بیمارستانی باید وجود داشته باشد ، در ایران هر ۸۰۰ نفر یک تخت بیمارستانی دارند . آمارهای موجود نمایانگر این است که برای تأمین خدمات بهداشتی مطلوب هنوز راه درازی در پیش است و افزایش سریع جمعیت مشکلات و نارسائیهای موجود را پیچیده تر خواهد ساخت . زمانی که وضعیت بهداشتی یک جامعه مناسب نباشد ، علاوه بر زیان بر کلیه افراد آن جامعه ، بیشترین ضرر بر گروههای آسیب پذیر جامعه وارد می شود . گروههای آسیب پذیر در هر جامعه ، مادران و کودکان هستند که بعلت شرایط خاص جسمانی بیشتر از دیگران در معرض خطر و بیماری قرار دارند

سطح بالای باروری پیامد و آثار و عوارض ناخوشایندی برای سلامت مادران و کودکان و مسائل زیستی جامعه نیز دارد . مرگ و میر کودکان با عوامل متعددی مانند سوء تغذیه ، امراض عفونی و فقدان مراقبتهای بهداشتی در ارتباط است . همچنین فاصله زمانی مناسب بین دو تولد در امکان زنده ماندن کودک و پیشگیری از ابتلاء به بیماریها نقش قابل توجهی دارد . زمانی که فاصله بین دو تولد کوتاه باشد ، هر کدام از آنها در معرض خطر بیشتری قرار می گیرند . همچنین مشخص شده است که مرگ و میر و ابتلاء به بیماری در زنانی که زود ازدواج کرده یا در سنین کم آبستنی های پشت سر هم داشته اند و یا دارای فرزندان زیادی باشند ، بیشتر است

حاملگی ها و زایمانهای پی در پی سلامت مادر و طفل را به خطر می اندازد . بُعد بزرگ خانوار ، فاصله کوتاه بین آبستنی ها و از شیر گرفتن ناگهانی و بی موقع کودک توأم با مسائل گوناگون نظیر تشویش و فشارهای روحی مادر ، عدم سازش در زندگی به دلیل نگرانی زن از حاملگی مجدد ، مشکلات ناشی از زایمان ، کمبودها و نارسائیهای عاطفی دوران کودکی و بالاخره فرسودگی و خستگی والدین از کار و زحمت برای تأمین معاش خانواده بزرگترین عامل در بروز بیماریهای جسمی و روانی به شمار رفته و موجب افزایش در جات احتمالی مرگ و میر می شود .

آمارها نشان میدهد در کشورهای در حال توسعه در هر سال ۸۰ میلیون حاملگی ناخواسته رخ میدهد ، که این آمار بر اساس بررسی وزارت بهداشت و درمان در سال ۱۳۷۹ در ایران ۲۴ درصد بوده است

نرخ مرگ و میر کودکان در بین مادران جوان ۱/۵ برابر بیشتر از مادرانی است که ۲۰ ، ۳۰ سال از عمرشان می گذرد . در هر سال در کشورهای رو به رشد ۴/۴ میلیون مورد سقط جنین در بین زنان جوان ( کمتر از ۲۰ سال ) انجام می گیرد

یک نفر از هر بیست نفر جوان به بیماریهای مقاربتی مبتلا می شود . نیمی از کلیه موارد آلودگی به ویروس ایدز مربوط به افرادی است که کمتر از ۲۵ سال دارند

از ۸۰ میلیون مورد حاملگی ناخواسته که سالانه در جهان رخ میدهد ، ۲۰ میلیون زن خود را در معرض سقط غیر ایمن قرار می دهند ، که خود عامل ۷۸ هزار مرگ از ۵۰۰ هزار مرگ و میر سالانه مادران در سطح جهان می باشد

فقر ، جمعیت و توسعه

امروزه کمتر کسی رابطه بین توسعه اقتصادی و رشد آهسته تر جمعیت را انکار می کند . ولی نه توسعه یک محصول خودبخودی رشد آهسته جمعیت بوده و نه رشد آهسته جمعیت محصول خودبخودی توسعه می باشد . بلکه تنظیم خانواده ، مراقبتهای بهداشت باروری و برنامه های توسعه ای می توانند در جهت کاهش میزان رشد جمعیت عمل کرده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند

توسعه پایدار باید شامل این بخش ها باشد

- ۱- انجام مراقبت های بهداشت باروری ، میزان مرگ و میر مادر و کودک را کاهش می دهد ، همچنین مادران را به طرف داشتن خانواده کوچکتر ، فواصل بیشتر بارداری ها و فاصله گذاری بین تولدها ، تشویق می کند
- ۲- سرمایه گذاری در آموزش زنان و افزایش دسترسی آنها به آموزش ، کسب اعتبار و حقوق قانونی مناسب ، اقداماتی در جهت بدست آوردن وضعیت مطلوب و رضامندی در زندگی توسط خود آنها ، همچنین داشتن استقلال اقتصادی از مواردی هستند که می توانند مفهوم بهتری از دنیا آوردن فرزند در اذهان آنان ایجاد کنند
- ۳- کوچکتر بودن اندازه خانواده سبب آزاد شدن منابعی می شود که با استفاده از آن می توانند برای کار ، موفقیت بهداشتی ، آموزش یا سایر فعالیتها سرمایه گذاری کنند . با آموزش بهتر برای تعداد فرزند کمتر ، امکان موفقیت تحصیلی بالاتر برای فرزندان فراهم آمده ، در ضمن هزینه کمتری پرداخت می شود
- ۴- در میان ملل در حال توسعه ، ۸۰۰ میلیون نفر بیکار یا دارای مشاغل نامطمئن هستند (یعنی تعداد بیشتری نسبت به نیروی کار جاری در کشورهای صنعتی ) این کشورها برای ابقای این وضعیت باید سالانه ۴۰ میلیون شغل جدید ایجاد کنند . آنها همچنین برای تأمین سعادت جمعیت ۱۹ - ۱۳ ساله نیاز به تأمین بهداشت و آموزش جوانان خود و همچنین برنامه ریزی برای مراقبت از جمعیت مسن در حال رشد خود دارند



منابع و مأخذ:

<http://www.ukapologetics.net/٠٩/fertility.htm>

<http://www.ukapologetics.net/٠٩/fallingspermcounts.htm>

<http://www.khouse.org/articles/١٩٩٧/٩٢/>

<http://overpopulationisamyth.com/>

<http://www.ukapologetics.net/populationcontrol.html>

<http://www.pop.org/content/third-world-population-growth-first-world-burden-١١١٤>

<http://www.csmonitor.com/World/٢٠١٢/٠٢١٤/Putin-vows-to-halt-Russia-s-population-plunge-with-babies-immigrants>

<http://www.basir-news.com>

<http://www.mehrkhane.com/ShowContent.aspx?ContentID=٢٥٢٧>

<http://www.juliansimon.com/writings/Articles/ZUK١.txt>

<http://www.jayhanson.us/page٢٧.htm>